



دوره ۵۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۲۲۷ تا ۲۴۵ (مقاله پژوهشی)

تحلیل فقهی - حقوقی شمول حد مسکر بر مصرف مواد روان گردان در قانون مجازات اسلامی

صدرا زارعی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

جواد ریاحی *

استادیار دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)

محمدحسن رجیبیه

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۴/۱۲)

چکیده

حالت مسلوب‌الارادگی ناشی از مصرف مسکر از حالات زیانباری است که اغلب نظام‌های جزایی از جمله نظام جزایی ایران را وادار به واکنش ساخته، وضع قوانین و مقرراتی را در زمینه کنترل یا پیشگیری از بروز آن حالت موجب شده است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، در یکی از اقدامات اخیر خود، با ایجاد تغییرات چشمگیر در الفاظ و عبارات مقررات پیشین، مقرر بحث‌انگیزی (ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی) را انشا کرده و اختلاف‌نظر نسبتاً گسترده‌ای را در زمینه شمول یا عدم شمول حد مصرف مسکر بر استعمال مواد روان‌گردان و قرص‌های توهم‌زا نظیر مت‌آمفتامین (شیشه)، آمفتامین، ال اس دی و اکستاسی برانگیخته است؛ به طوری که در عرصه قضا نیز برخی محاکم، مسلوب‌الارادگی ناشی از مصرف ارادی مواد روان‌گردان را مشمول حد و برخی مشمول تعزیر می‌دانند. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی این مسئله را بررسی و به این نتیجه رسیدیم که از میان دو دیدگاه موافقان و مخالفان تعمیم حد مسکر بر استعمال روان‌گردان‌ها، دیدگاه مخالفان، به لحاظ سازگاری با مبانی فقهی، و با احتیاط در حدود و قواعد فقهی و سیاست کیفری شارع در خصوص حدود و نیز برخورداری آن از پشتوانه قول مشهور و قول بیشتر فقهای امامیه، موجه‌تر و صحیح‌تر است و ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز باید براساس آن دیدگاه تفسیر شود.

واژگان کلیدی

روان‌گردان‌ها، قانون مجازات اسلامی، کیفر حدی، مسلوب‌الارادگی، مسکرات.

مقدمه

حالت مسلوب‌الارادگی، حالتی است که هم ممکن است به صورت ناخواسته (مانند مسلوب‌الارادگی ناشی از جنون) و هم خودخواسته (مانند مسلوب‌الارادگی ناشی از مصرف مسکر) بر انسان عارض شود و موجب بروز گفتارها یا کردارهای نامعقول و نامتعارف و گاه زیانبار شود. از این رو بسیاری از نظام‌های حقوقی به منظور پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلال در نظم عمومی و آسیب‌های فردی و جمعی، از وضعیت مسلوب‌الارادگی غافل نشده و با سیاستگذاری‌های مرتبط، در راستای کنترل آن وضعیت، گام برداشته‌اند.

سیاستگذاران جنایی ایران نیز در طول سالیان متمادی به این مهم توجه داشته و کوشیده‌اند تا با وضع قوانین و مقررات مرتبط، به اهداف خود در این زمینه جامه عمل بپوشانند. در این زمینه، مصرف مواد مستی‌زای سنتی و صنعتی و اخیراً مواد محرکی مانند روان‌گردان‌ها و قرص‌های توهم‌زا، از جمله مسائل اجتماعی دوران معاصر و از دغدغه‌های قانونگذار ایران است که توجه خاصی را برانگیخته، مباحثاتی را در سطوح مختلف علمی، قضایی و اجرایی دامن زده و به تدریج قانونگذاری‌های متنوعی را موجب شده است.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران از سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، جرم استعمال مسکرات را در قوانین جزایی پیش‌بینی و به‌عنوان یکی از جرائم مستوجب کیفر حد معرفی کرده است. قانون «حدود و قصاص و مقررات آن» مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۰ در ماده ۱۲۳ مقرر می‌داشت: «خوردن مسکر کم یا زیاد، مست بکند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط، موجب حد است. تبصره ۱- آب جو گرچه مست‌کننده نباشد در حکم شراب است و موجب حد خواهد بود. تبصره ۲- خوردن آب انگوری که خود به جوش آمده یا به وسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده گرچه حرام است ولی موجب حد نمی‌باشد». با تصویب «لایحه مجازات اسلامی» در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۷ نیز همین عبارات با تغییرات جزئی در ماده ۱۶۵ آن تکرار شد.^۱

از سوی دیگر، با شیوع استعمال مواد روان‌گردان در جامعه و آشکار شدن آثار زیانبار و آسیب‌های جبران‌ناپذیر ناشی از آن، قانونگذار ایران به این معضل نیز واکنش نشان داد و در یکی از نخستین اقدامات خود، مواد روان‌گردان را به فهرست مواد ممنوع مندرج در قانون مبارزه با مواد

۱. به موجب آن مقرر: «خوردن مسکر موجب حد است. اعم از آن که کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند. تبصره ۱- آب جو در حکم شراب است، گرچه مست‌کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است. تبصره ۲- خوردن آب انگوری که خود به جوش آمده یا به وسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب حد نمی‌باشد».

مخدر افزوده^۱، رفتارهای مرتبط با آن از قبیل نگهداری، حمل و خرید و فروش را مانند مخدراتی چون هروئین، مشمول شدیدترین واکنش‌ها قرارداد.^۲

در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، تغییرات قابل تأمل و بحث‌انگیزی در رکن قانونی جرم «خوردن مسکر» ایجاد شد. آن‌گونه که در ماده ۲۶۴ آن قانون مقرر شده است: «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به‌گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است. تبصره- خوردن فقاع (آب جو مسکر) موجب حد است هرچند مستی نیاورد».

استعمال واژه‌های «خوردن، تزریق و تدخین» و نیز تصریح به اینکه «جامد باشد یا مایع»، موجب طرح این اندیشه شد که قانونگذار در یک چرخش آشکار به سمت اقوال غیر مشهور فقهی رفته، درصدد برآمده است تا این جرم را از قیدوبند مواد مستی‌زای سنتی و انحصار در نوشیدن خارج سازد و هم مصادیق مواد سکرآور دارای کیفر و هم رفتارهای موجب حد مسکر را گسترش دهد. در واقع، هدف قانونگذار از وضع آن مقرر این بوده که با توصیف جرم مصرف مسکر در این اسلوب نوین، روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی نظیر شیشه (مت‌آمفتامین)، اکستاسی و ال‌اس‌دی را نیز مسکر محسوب کند و مصرف آنها را موجب حد مسکر بداند.

بررسی دیدگاه‌های مطرح‌شده در این خصوص، به‌وضوح از وجود اختلاف‌نظر درباره دامنه موضوعی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی در سطوح مختلف فقهی، حقوقی و قضایی حکایت دارد و این پرسش‌ها را مطرح می‌کند که از میان رویکردهای فقهی حقوقی، کدام رویکرد درباره کیفر مصرف مواد روان‌گردان موجه‌تر است؟ و براساس آن رویکرد چگونه می‌توان تفسیر درستی از ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص موضوع بحث ارائه داد؟

مقاله حاضر با هدف تحقیق درباره این مسئله و یافتن پاسخ پرسش‌های مذکور سامان یافته و بحث در پنج قسمت دنبال می‌شود. ابتدا دیدگاه‌های حقوقی مطرح‌شده درباره موضوع شناسایی می‌شود؛ پس از آن، آثار فقها از حیث پرداختن به مسئله شمول حد مصرف مسکر بر مصرف روان‌گردان‌ها کاوش می‌شود؛ سپس دیدگاه‌های فقهی درباره رفتار لازم برای تحقق و احراز موجب حد مسکر بررسی می‌شود؛ در ادامه ماهیت و آثار مسکرات با روان‌گردان‌ها مقایسه و بعد از آن، ارتباط بحث با قاعده درء بررسی می‌شود؛ در انتها نیز نتایج بحث بیان می‌شود.

۱. به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹/۰۵/۰۹: «رسیدگی به جرائم مواد روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی تابع مقررات رسیدگی به جرائم مواد مخدر می‌باشد».

۲. ر.ک: ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹/۰۵/۰۹.

۱. دیدگاه‌های حقوقی درباره موضوع

بررسی نظریه‌های فقهی، حقوقی و قضایی حکایت از این دارد که دیدگاه‌های مطرح شده درباره قلمرو موضوعی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی را به طور کلی می‌توان در دو گروه موافقان شمول مقرر بر مصرف مواد روان‌گردان و مخالفان آن تقسیم کرد. نویسندگان موافق شمول مقرر بر مصرف مواد روان‌گردان، با ابراز اینکه این رویکرد دارای مبانی فقهی بوده و به قدر کفایت از مستندات لازم برخوردار است، از این رویکرد جدید قانونگذار استقبال کردند (امامی، ۱۳۹۳: ۱۱۲)؛ اما برخی دیگر، هرچند از این رویکرد سختگیرانه مقنن ابراز نگرانی کردند، اما ابراز داشتند که ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی حدود مضبوط شرعی را توسعه می‌دهد و موجب می‌شود که حد سنگین شرب خمر (۸۰ ضربه تازیانه)، به سایر مواد روان‌گردان و صنعتی نیز تعمیم یابد (حیدریان، ۱۳۹۲: ۴۶).

این اندیشه که پیش از آن در پاره‌ای از مطالعات مطرح شده بود، بر این استدلال استوار است که علت تحریم خمر در اسلام مستی‌آور بودن آن است و براساس قیاس منصوص‌العله هر گاه در اثر مصرف مواد دیگر، اثر مستی در انسان حاصل شود، حکم به حرمت آنها نیز داده می‌شود، هرچند اسم یا ترکیب متفاوتی داشته باشند (عظیمی و اصغری، ۱۳۹۲: ۷۵). به بیان دیگر، علت تحریم خمر، با کمی تفحص در ادله نقلی و عقلی مربوط، ایراد خدشه بر اراده - و چهار مؤلفه درک، تدبیر، خواست درونی و تنفیذ- است. همین اثر، در پی مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نیز قابل مشاهده است؛ البته گاه اثر مشهود در قسم اخیر، اشد و أقوى از قسم پیش‌گفته است. با تخریج مناط و بر وجه قیاس اولویت، می‌توان قائل به تسری حکم اصل به فرع شد.

از نگاه طرفداران این دیدگاه، با توجه به ضرر و زیان‌های ناشی از مصرف مواد روان‌گردان، الحاق حکم مسکرات به آنها راجح است، زیرا گاهی ضررهای ناشی از مواد روان‌گردان خیلی بیشتر از مسکرات است و به بیماری‌های صعب‌العلاجی منتهی می‌شوند که موجب فساد کل جامعه می‌شود. همچنین اگر در احکام و عقوبت مواد روان‌گردان قائل به تعزیر شویم، ممکن است این شائبه به وجود آید که قاضی درباره آنها مسامحه کرده و این به دور از عدالت است^۱ (فتحی بهنسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۹۲).

۱. البته الحاق حکم مسکرات به مواد روان‌گردان یک اثر سلبی نیز دارد و آن زوال مسئولیت کیفری مرتکب نسبت به جرائم ارتكابی در حال مسلوب‌الارادگی است که با استدلال‌های ایشان مغایرت دارد و به نظر می‌رسد طرفداران دیدگاه شمول حد اسکار از آن غافل شده‌اند.

به این ترتیب، در نظر برخی نویسندگان، این دیدگاه که ظاهراً با برخی از مواد قانون مجازات اسلامی همچون مواد ۱۵۴ و ۳۰۷ آن قانون^۱ نیز سازگار می‌نماید، تقویت شد و به‌نظر رسید که برخی واقعیت‌های اجتماعی که حاکی از آن است که عملکرد مواد روان‌گردان پس از مصرف و اثر آنها بر مصرف‌کننده، مشابه عملکرد و آثار مسکرات و حتی شدیدتر از آنهاست، قانونگذار ایران را بر آن داشت تا این مواد را مشمول احکام مسکر قرار دهد.

در عمل، طولی نکشید که تنور این بحث در عرصه قضا نیز گرم شد و این اندیشه در میان برخی قضات محاکم کیفری نیز طرفدارانی پیدا کرد و موافقان آن، در برخی نشست‌های قضایی در مقابل مخالفان صف‌آرایی کردند و به دفاع از دیدگاه خود پرداختند. از جمله در یکی از نشست‌های قضایی در پاسخ به این پرسش که «شخصی اقدام به مصرف مواد مخدر از نوع شیشه یا هروئین و سایر مواد مخدر جامد می‌نماید، با استعمال از پزشکی قانونی معلوم می‌شود که ماده مخدر مصرفی سکرآور است. توجهاً به ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی جدید که مصرف مسکر از قبیل خوردن و تزریق و تدخین را موجب حد دانسته، آیا در این صورت مجازات حد بر مصرف‌کننده ماده مزبور ثابت است یا خیر؟ در صورت ثابت بودن حد، آیا مجازات استعمال مواد مخدر نیز اجرا می‌شود یا خیر؟» قضات موافق توسعه و شمول ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی بر مواد روان‌گردان ابراز کرده‌اند که «سیاق ماده طوری تنظیم گردیده که حکم آن هر نوع ماده مسکری را شامل می‌شود و معنای مسکر اطلاق دارد؛ علی‌الخصوص ماده صریحاً بر جامد بودن آن تأکید کرده، لذا قانونگذار از تنقیح مناط و قیاس منصوص‌العله استفاده و حکم حد را در تمام مسکرات جاری نموده است و قاعده درء و تفسیر به نفع متهم و غیره در جایی است که شک و شبهه‌ای وجود داشته باشد. با توجه به صراحت ماده و تأکید بر جامد یا مایع بودن، تردیدی در مفاد آن وجود ندارد. مضافاً بر اینکه قانونگذار در ماده ۳۰۷ یکی از آثار مصرف مواد مخدر را مستی بیان کرده و مجازات مستی اجرای حد است. ضمناً در صورت اجرای حد، مجازات استعمال

۱. به موجب ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست، مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود». همچنین، ماده ۳۰۷ آن قانون نیز مقرر می‌دارد: «ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آنها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به‌کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد».

آن، که در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ذکر شده به جهت اجرای مجازات اشد منتفی می‌گردد» (نشست قضایی دادگستری شهرستان قروه، ۱۳۹۴).

با این همه، بسیاری از فقها، حقوقدانان و قضات، دیدگاه یادشده را برناتافته، به مخالفت با آن برخاسته‌اند. به باور برخی فقها، در شمول عنوان مسکر بر مواد مشابه مانند مواد مخدر، نباید به صرف اشتراک در برخی نشانه‌ها و آثار اکتفا کرد، زیرا مواد متنوعی مانند انواع مواد مخدر، مواد خواب‌آور یا انواع سم‌ها وجود دارد که آثار و علائمی شبیه مسکر در مصرف‌کننده آن ایجاد می‌کند، درحالی‌که به آنها مسکر گفته نمی‌شود و عرف میان آنها با مسکرات تمایز قائل می‌شود و تنها معیار تمیز قابل اعتماد در این زمینه عرف است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۰۲).

حقوقدانان موافق این دیدگاه نیز معتقدند که نباید در توسعه مصادیق مسکر گشاده‌دستی کرد و حد مسکر را بر مواد روان‌گردان توسعه داد، بلکه در شمول حد مسکر بر مواد نوپدید (مانند مواد روان‌گردان) باید به قدر متیقن اکتفا کرد و نباید دامنه شمول حد مسکر را توسعه داد، زیرا الفاظ قانونی، محمول بر معانی عرفیه‌اند و به قضاوت عرف و عموم، حالت ناشی از شرب خمر، مستی است؛ حال آنکه حالت حادث در پی استعمال مواد مخدر، نشنگی است.

مخالفتان توسعه قلمرو ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی بر این عقیده‌اند که توسعه در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی برخلاف قول مشهور فقهاست و با شدت احتیاط شارع در حدود ناسازگار است (اصغری و صالحی مقدم، ۱۳۹۸: ۵۴). برخی با تأکید بر اینکه در فقه هیچ‌یک از حدود شرعی و عناوین جرائم حدی بر مصرف روان‌گردان تطبیق نمی‌کند، در دفاع از آن دیدگاه نوشته‌اند: «برخی فقها معتاد را شارب مسکر دانسته‌اند اما فقط در پاره‌ای از احکام، مصرف‌کننده مواد مخدر را ملحق به شارب مسکر کرده‌اند و چون ملاک صدق مسکر و شارب آن را عرف دانستیم، نمی‌توان مجازات شارب مسکر یعنی حد را بر وی بار نمود، چون عرف، مصرف‌کننده مواد مخدر [و روان‌گردان] را شارب مسکر تلقی نمی‌کند. بنا بر این می‌توان به عنوان تعزیر شرعی وی را به‌خاطر استعمال مواد مخدر کمتر از حد شرب خمر مورد مجازات قرار داد و وی را مجبور به ترک آن نمود» (سلمان‌پور، ۱۳۸۲: ۲۳).

رویکرد بسیاری از محاکم کیفری به این مسئله نیز مخالفت با توسعه قلمرو موضوعی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی است، چنانکه اکثریت قضات حاضر در نشست قضایی سابق‌الذکر، توسعه قلمرو جرم مصرف مسکر را برخلاف اصول حقوقی دانسته و در پاسخ به پرسش یادشده اظهار کرده‌اند: «۱. با توجه به وجود شبهه موضوعیه و حکمیه در مفاد ماده ۲۶۴ در خصوص شمول مواد مخدر، لذا اساساً در مرحله استنباط قاضی از ماده، قاعده درء حاکم است و قدر متیقن

این است که منظور مقنن از عبارت مسکر جامد، جامداتی است که بالاصاله مایع می‌باشند، کما اینکه در متون فقهی نیز در تعریف مسکر آمده است که: المراد منه المسکر الذی یکون مایعاً بالاصاله^۱. و در اینکه آیا اساساً مواد سکرآوری که بالاصاله جامد می‌باشند مثل برخی مواد مخدر، شامل اصطلاح فقهی مسکر می‌باشند یا خیر شک و شبهه است، لذا اصل تفسیر مضیق از قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم حاکم است.

۲. در ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی عبارت مواد مخدر و سایر روان گردان‌ها در کنار عبارت «مسکرات» قیدشده و این حاکی است که مقنن مواد مخدر را غیر از اصطلاح مسکرات می‌داند ولو اینکه سکرآور باشد. و اساساً تنوع در عبارت حاکی از تعدد در معنا است.

۳. اگر مراد قانونگذار از عبارت مسکر، مطلق مسکرات بود (اعم از معنای لغوی و اصطلاحی آن) در این صورت نیازی به ذکر تبصره ماده ۲۶۴ نبود (با توجه به اینکه تبصره غالباً حکم موارد اختلافی و شبهه‌ناک را بیان می‌کند)، و بدیهی است که حکم حرمت در فقاع قوی‌تر از حرمت در مواد مخدر است، به جهت اینکه در این خصوص نص روایی داریم با این حال ماده، فقاع را تصریح نموده و ذکری از مواد مخدر به عمل نیاورده. لذا مسکرات جامد در ماده، منصرف به مسکراتی است که بالاصاله مایع می‌باشند و بعداً به جامد تبدیل شوند» (نشست قضایی دادگستری شهرستان قروه، ۱۳۹۴).

۲. مصرف روان گردان‌ها در آثار فقهی

با توجه به اینکه چند دهه‌ای بیشتر از پیدایش مواد روان گردان نمی‌گذرد، نباید انتظار داشت که در آثار متقدمان از فقیهان اسلامی بتوان رد پایی از این موضوع را مشاهده کرد. درست به همان دلیل، در آثار متأخران نیز آنچه بیشتر مشاهده می‌شود، بررسی احکام مربوط به مواد مخدر و مصرف آن است و درباره مواد روان گردان بحثی مطرح نشده است.^۳ بنابراین مطالعه آثار فقها نشان می‌دهد که درباره شمول حد مصرف مسکر بر مصرف روان گردان‌ها فتاوی قابل اعتنایی نمی‌توان یافت و این واقعیت در ادبیات فقهی معاصر نیز مشاهده می‌شود.

در آثار فقهای معاصر نیز آنچه بیشتر مورد بحث واقع شده، بررسی احکام طهارت یا نجاست مواد مخدر و حرمت یا جواز استعمال آن بوده است، بررسی احکام مواد روان گردان به چشم

۱. رک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۴۱؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۱۹.

۲. <http://rule-training.ir/?p=327> < دسترسی: ۱۳۹۴/۳/۳ >.

۳. رک: شهید اول، بی تا، ج ۲: ۷۳-۴۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ص ۱۵۹-۱۵۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۶: ۳۷۶.

نمی‌خورد و اگر مطلبی هم دیده می‌شود، اغلب در کنار مواد مخدر مطرح شده و جنبه فرعی دارد یا در خصوص حد مسکر به‌طور گذرا به آن اشاره شده و بحث از احکام مواد روان‌گردان، باب مستقل یا دست‌کم مسئله مستقلی از ابواب یا مسائل آثار ایشان را به خود اختصاص نداده است. برای مثال، برخی فقیهان در خصوص حد شرب خمر، در حد یک جمله به این موضوع اشاره کرده و گفته‌اند که «هر چیزی که مسکر است [مانند] شیشه و کراک و هر چیزی از این آفت‌هایی که استفاده می‌کنند که مسکر باشد، بالضروره و بالتواتر شربش حرام [است] بلاشکال» (مصطفوی، ۱۳۹۱).

دیدگاه برخی از علمای معاصر را نیز تنها از استفتائات به‌عمل آمده از ایشان می‌توان به‌دست آورد که آن هم البته به اقتضای مقام استفتاء به‌اجمال بیان شده و در حد بیان حکم جواز یا حرمت استعمال است. برای مثال، پاسخ برخی از آیات عظام به استفتاء گروه فقه و حقوق خبرگزاری دانشجویان ایران (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲)^۱ مبنی بر اینکه «استعمال مواد محرک نظیر کوکائین، قرص‌های شادی‌آور و قرص‌های توهم‌زا مثل LSD چه حکمی دارد؟»، بدین شرح بوده است:

- استفاده از قرص‌های شادی‌آور و توهم‌زا هر گاه ضرر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد یا منشأ مفسده‌ای گردد، جایز نیست (آیت‌الله مکارم شیرازی).

- بعضی مواد مذکور مثل قرص‌های شادی‌آور اگر ضرر کلی داشته باشد و یا برخلاف مقررات باشد جایز نیست (آیت‌الله موسوی اردبیلی).

- استعمال هیچ‌یک از موارد مورد سؤال جایز نیست (آیت‌الله نوری همدانی).

- استعمال مواد مخدر حرام است (آیت‌الله صانعی و آیت‌الله مظاهری).

چنانکه ملاحظه می‌شود، برخی فقهای مذکور به‌صراحت به حرمت فتوا داده و برخی حکم عدم جواز مصرف مواد روان‌گردان را به قیودی چون وجود ضرر قابل ملاحظه یا ناشی شدن مفسده، مقید کرده‌اند که این امر نیز فی‌الجمله، نبود اتفاق نظر در این باره را نشان می‌دهد. همچنین از فتاوی‌یادشده حداکثر حرمت استعمال مواد روان‌گردان قابل استفاده است و کمیت و کیفیت کیفر مصرف‌کننده مواد روان‌گردان یا شمول یا عدم شمول حد مصرف مسکر بر مصرف‌کننده روان‌گردان‌ها قابل استفاده نیست.

از مجموع آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌شود که به تعبیر برخی نویسندگان، در مورد اینکه مواد روان‌گردان را باید مسکر دانست یا مخدر یا مستقل از این عناوین، اختلاف نظر وجود دارد (خدایی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۱۸) و در میان اندک نظریه‌ها و دیدگاه‌های فقهی موجود درباره مواد روان‌گردان می‌توان به‌طور ضمنی و نه صریح - دو دیدگاه را شناسایی کرد؛ یکی دیدگاهی که به‌نظر

می‌رسد دیدگاه اکثریت است، مبنی بر استقلال عنوان روان گردان از مسکر (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۰۲)؛ و دوم، دیدگاهی که به نظر می‌رسد طرفداران کمتری دارد، مبنی بر شمول عنوان مسکر بر روان گردان‌ها (مصطفوی، ۱۳۹۱)؛ البته در دیدگاه اخیر، فتوای معتبری مبنی بر شمول حد شرب خمر بر مصرف مواد روان گردان نمی‌توان یافت.

۳. مسلم نبودن ثبوت حد در غیر تناول

چنانکه می‌دانیم، مواد روان گردان اغلب یا حداقل در برخی مصادیق شایع (مانند شیشه) به طور متعارف از راه استنشاق یا تزریق استعمال شده، به ندرت از راه خوردن مصرف می‌شوند. از این حیث، یکی از مقوله‌هایی که می‌تواند به روشن شدن مسئله و یافتن پاسخ پرسش پژوهش حاضر کمک شایانی کند، بررسی این مسئله است که دیدگاه فقه جزایی نسبت به مصرف مسکر از راه‌هایی غیر از نوشیدن چیست؟ به عبارت دیگر، آیا از نظر فقهی، حد شرب مسکر فقط در صورتی است که شخصی مسکر را بنوشد یا بخورد یا اینکه اثبات آن حد منوط به توسل به طریقه خاصی از استعمال نبوده و به هر شکلی که شخصی مسکر را مصرف کند، موجب حد خواهد بود. بررسی متون و مدارک اسلامی حاکی از این است که میان فقیهان در این خصوص که موجب حد مسکر ارتکاب شرب به نحو خوردن یعنی صرف نوشیدن یا ادخال به شکم از راه حلق است یا به هر نحو ممکن یعنی مصرف مسکر به هر طریقی اعم از نوشیدن و خوردن، اختلاف دیدگاه وجود دارد.

برخی منابع فقهی، با در نظر گرفتن معنای لغوی شرب، اختصاصاً از واژه «شرب» استفاده کرده، این عمل را موجب کیفر حدی مصرف مسکر دانسته‌اند.^۱ با این حال، بسیاری از فقها با الغای خصوصیت از واژه «شرب»، به جای آن از واژه «تناول» استفاده کرده‌اند، چراکه واژه تناول در معنای لغوی به معنای خوردن و اعم از شرب است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۱۴۰). این گروه از فقیهان اظهار می‌دارند: «ما ثبوت حد را به تناول مشروط کردیم تا هم شامل نوشیدن شود و هم خوردن آن به صورت مخلوط با غذاها و داروها» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱: ۴۵۰). به این ترتیب، به نظر می‌رسد معیاری که این گروه از فقیهان برای «شرب خمر» در نظر گرفته‌اند، ورود مسکر به شکم از راه حلق است، و از این رو، از واژه تناول استفاده کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴: ۴۵۸؛ موسوی خونی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۴).

با توجه به آنچه گفته شد، مشهور فقها کوشیده‌اند تا با طرح نظریه تناول، موجب حد مسکر را از انحصار شرب به معنای خاص خارج ساخته، تبیین موجهی از احکام شرعی مطرح کنند که به

۱. رک: ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۵۳۵؛ مفید، ۱۴۱۰ق: ۷۹۸.

نتایج نامعقول نینجامد. با این حال، این یکپارچگی و توافق نظر حداکثری، زمانی که بحث به بررسی رفتارهای دیگری همچون استنشاق و تزریق می‌رسد، شکسته شده، به طرح دیدگاه‌های مغایر منتهی شده، بیشتر فقها را به رعایت جانب احتیاط واداشته است.

۱. ۳. استعمال مسکر با سعوط (تسعت)

سعوط (به بینی کشیدن مسکر) خمر یکی از رفتارهایی است که فقها در موجب حد بودن آن اختلاف نظر دارند. گروهی به سبب عدم اطلاق تناول بر سعوط، آن را موجب حد نمی‌دانند.^۱ اما در مقابل گروهی بر این باورند که سعوط مصداق تناول است، زیرا با سعوط مسکر از طریق حلق به شکم می‌رسد. در نتیجه این‌گونه استعمال، موجب ثبوت حد می‌گردد (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۵۵۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰: ۵۶۷). از سوی دیگر، گروهی بر این عقیده‌اند که اگر سعوط موجب دخول خمر از راه بینی به شکم شود، و علم به دخول آن به حلق و ورود آن به شکم به وجود آید، هیچ شکی در تحریم و وجوب حد وجود ندارد، اما اگر سعوط مجرد ریختن خمر در بینی باشد، به نحوی که علم به عدم دخول خمر به حلق به وجود آید و یا لاقط شک در دخول به حلق و ورود به شکم به وجود آید، هیچ تردیدی برای عدم حد وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱: ۴۵۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۰۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق: ۴۳۳).

اگر به چگونگی تأثیر مسکر از راه سعوط دقت شود، این واقعیت آشکار می‌شود که با سعوط، مسکر از راه بینی و نای به ریه‌ها وارد شده و از راه مویرگ‌ها وارد خون می‌شود و از آنجا به مغز می‌رسد و بر اعصاب مرکزی اثر می‌گذارد. بنا بر این، در غالب موارد، اثربخشی مسکر از راه وارد شدن به معده نیست، نمی‌تواند مشمول عنوان تناول شود. از این رو به نظر می‌رسد که از میان دیدگاه‌های یادشده، دیدگاه نخست از جهات بیشتری برخوردار است.

۲. ۳. تزریق مسکر

از دیگر رفتارهایی که در موجب حد بودن آن اختلاف نظر گسترده‌ای وجود دارد، استعمال مسکر از طریق تزریق است. برخی بر این اعتقادند که تزریق مسکر، نظیر شرب خمر موجب ثبوت حد یا لاقط احتیاط در حد می‌گردد، زیرا از یک سو می‌توان با الغای خصوصیت از تناول مسکر، آن را بر تزریق نیز صادق دانست (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۰۵)، از سوی دیگر، روایتی در مورد نماز شارب خمر وارد شده مبنی بر اینکه «لم تقبل منه صلاة مادام فی عروقه منها شیء» (حر عاملی،

۱. ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴: ۴۵۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱: ۴۵۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۰۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق،

۱۴۱۳ق، ج ۱۷: ۲۴۳) که می‌توان از آن استنباط کرد که تزریق مسکر از موارد ثبوت حد به‌شمار می‌آید^۱ (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۲۱-۳۲۰)، هرچند از این طریق مسکر وارد شکم نمی‌شود. در مقابل، دیدگاه دیگر تزریق مسکر را در صورتی که موجب مستی شود، موجب حد دانسته و در غیر از آن، اجرای حد را مورد اشکال دانسته است. برای مثال آیت‌الله لنگرانی اظهار می‌دارد: «ظاهر این است که اگر به سبب تزریق، مستی ایجاد شود، حد ثابت می‌گردد؛ زیرا تناول مسکر بر آن صدق می‌کند؛ همان‌گونه که تزریق خواب‌آور و مخدر موجب خواب و سستی (تخدير) می‌گردد»^۲ (فاضل لنگرانی، ۱۴۲۲: ۴۳۳). البته ممکن است با تنقیح مناط یا سایر سازوکارهای اصولی نیز بتوان حکم تناول مسکر را به تزریق مسکر نیز سرایت داد؛ اما این رویکرد از سوی بسیاری از فقها مطرح نشده است و با در نظر گرفتن سایر دیدگاه‌ها، از وجود اختلاف نظر در این حوزه حکایت دارد.

۳.۳. تدخین، تضمید، اکتحال و احتقان مسکر

تدخین مسکر نیز از دیگر روش‌های استعمال مسکر است که درباره‌ی موجب حد بودن آن دیدگاه‌های مغایری مطرح شده است. مرحوم صاحب جواهر این شیوه از مصرف را از مصادیق تناول و موجب حد شرعی دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۵). اما در مقابل برخی با این بیان که «چگونه می‌توان استنشاق دود حاصل از خمر را ممنوع کرد، حال آنکه منع شرعی بر شرب خمر است؟» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق: ۳۰۵) تدخین مسکر را موجب حد شرعی ندانسته‌اند. اما در خصوص حکم شرعی مصرف مسکر از راه‌های تضمید (گذاشتن ضماد روی سر یا بر روی زخم)، اکتحال (قرار دادن کحل - داروی تقویت چشم - بر چشم) و احتقان (وارد کردن دارو از راه مقعد به بدن)، اندکی از فقها که متعرض مسئله شده‌اند، اظهار داشته‌اند که با توجه به معنای

۱. اگرچه شیوه رایج مصرف مسکر، نوشیدن آن است، استعمال آن از راه تزریق نیز به‌ویژه به میزان اندک امکان‌پذیر است و همان آثار مترتب بر نوشیدن را به‌دنبال خواهد داشت؛ زیرا در روش نوشیدن نیز ماده مؤثر الکلی در نهایت از راه دستگاه گوارشی جذب و وارد خون می‌شود و بر اعصاب مرکزی اثر می‌گذارد. در سال‌های اخیر، مواردی از تزریق الکلی به‌عنوان یک روش درمانی برای درمان بیماری‌های مختلف از جمله تومورهای سرطانی نیز گزارش شده است. ر.ک: بغدادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹؛ خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۳۹۶/۶/۱۳):

www.isna.ir <دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۵>

تارگه سلامت (۱۳۹۶/۴/۲۹):

www.salamaty.ir <دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۵>

۲. «ثم الظاهر ثبوت الحد فيما إذا تحقق الإسكار بسبب التزريق؛ لصدق تناول المسكر، نظير التزريق المرقد أو المخدر الموجب لتحقيق الرقود و التخدير».

واژه تناول، استعمال مسکر با چنین روش‌هایی تناول نبوده و از موجبات حد شرعی مصرف مسکر نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ۵۵۶؛ بهجت، ۱۴۲۶ق: ۳۰۶).

بررسی دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که اغلب فقهای امامیه بر این باورند که آنچه موجب حد مصرف مسکر است، فقط نوشیدن (معنای لغوی شرب) نیست، بلکه مصرف مسکر از راه‌هایی که عرفاً به آن خوردن گفته می‌شود، مانند خوردن معجونی از مسکر با مواد دیگر نیز موجب تحقق این جرم و لزوم اجرای حد مصرف مسکر می‌گردد. درست به همین دلیل، برخی معیار ثبوت حد را ادخال خمر از راه حلق عنوان کرده‌اند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۱۵). هرچند این معیار در نصوص وارده از معصومین (ع) صراحتاً ذکر نشده، اما به نظر می‌رسد که سبب عدول این گروه از فقها از معنای لغوی شرب و استفاده از واژه تناول جهت تعمیم هر نوع اکل مسکر در ثبوت حد، الغای خصوصیت از واژه شرب بوده است، زیرا با توجه به سیاق روایات وارده در موضوع بحث، نوشیدن خصوصیتی نداشته و آنچه سبب حد می‌گردد، ادخال خمر از راه حلق است که می‌تواند به نحو اکل یا شرب واقع شود.

با این همه، بسیاری از فقها همین استدلال (الغای خصوصیت از شرب) را در مورد سایر روش‌های مصرف مسکر، مانند سعوط، تزریق، تدخین، تضمید و غیر آن به‌کار نبرده و مصرف مسکر با چنین رفتارهایی را موجب حد ندانسته‌اند. اقلیتی هم که بر ثبوت حد در چنین مواردی فتوا داده‌اند، آن را به قیودی همچون تحقق مستی یا حصول علم بر ادخال مسکر به شکم مقید کرده‌اند. بنابراین، حتی با پذیرش واژه تناول در باب حد مسکر، و حتی در صورتی که مواد روان‌گردان مصداقی از مسکرات باشد، باز دیدگاه موجب حد بودن مصرف آن مواد به‌خصوص در مواردی که طریق متعارف مصرف آنها از روش‌هایی چون تزریق و تدخین است، از پشتوانه فقهی مستحکمی برخوردار نبوده و برخلاف قول مشهور فقهای امامیه است.

۴. دوگانگی مسکرات و روان‌گردان‌ها

موافقان گسترش قلمرو موضوعی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی، مسکر بودن مواد روان‌گردان را مفروض گرفته‌اند؛ درحالی‌که اصل آن، محل مناقشه است. این درست است که مصرف هریک از مسکرات، روان‌گردان‌ها یا مواد مخدر، می‌تواند آثار مشترکی همچون سرخوشی و احساس خوشبختی، احساس کاذب قدرت، نشنگی، پرحرفی، افزایش ضربان قلب و افزایش انرژی را به‌دنبال داشته باشد؛ همچنین صحیح است که مصرف مداوم تریاک، مورفین، هروئین، الکل و مواد روان‌گردان می‌تواند موجب افزایش مرگ سلول‌ها و از بین رفتن بافت‌های طبیعی اندام‌هایی از بدن همچون کلیه، کبد، بافت‌های عصبی و مغزی شود (لویی منفرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱؛ فاضلی‌پور و

همکاران، ۱۳۸۵: ۹۳؛ کیانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۱؛ سید محمودی و اصغری، ۱۳۹۲: ۳۰۱)، با این همه، مطالعات علمی و پژوهش‌های تجربی که در سال‌های اخیر درباره بررسی آثار و عوارض مسکرات، مخدرات و روان‌گردان‌ها بر نمونه‌های پژوهشی انجام گرفته، زوایای پنهانی از تفاوت‌های بنیادینی را در آثار، عوارض و چگونگی اثر مواد مذکور آشکار کرده، فرضیه همسانی آنها را به شدت تضعیف کرده و نشان داده است که هریک از مواد مخدر، روان‌گردان و مسکر، از جهات مختلفی از هم متمایزند، همان‌گونه که بسیاری از فقها و عالمان اسلامی آنها را متفاوت دانسته‌اند، نمی‌توان آنها را موضوع واحدی تلقی کرد.

نتایج مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که مواد روان‌گردان به سبب خاصیت تخریبی زیادی که دارند، بیشتر و سریع‌تر از بقیه مواد مخدر و مسکرات سبب آسیب‌های جسمی و اختلالات روانی می‌شوند (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶). یکی از عوارض جسمی که معمولاً مصرف‌کنندگان مواد روان‌گردانی مثل شیشه را از مصرف‌کنندگان سایر مواد مخدر یا مسکرات متمایز می‌کند، فساد شدید دندان‌های مصرف‌کننده است که نشانه‌های آن در مدت کوتاهی ظاهر می‌شود (کیانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

براساس نتایج تحقیقاتی که در سال‌های اخیر انجام گرفته، بین ویژگی‌های شخصیتی معتادان وابسته به مواد مخدر با معتادان به مت‌آفتمین تفاوت وجود دارد و با شناخت این تفاوت‌ها می‌توان اقدامات درمانی و پیشگیرانه مرتبط با هریک از انواع شخصیت را طراحی و اجرا کرد (عرب، ۱۳۹۰: ۹۴؛ کیوان‌آرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

در مقایسه با الکل و مخدرات، مواد روان‌گردان از حیث برخی از آثار بسیار خطرناک‌تر است. مصرف‌کنندگان مواد روان‌گردان، گاه تا ۷۲ ساعت نمی‌خوابند، ساعت‌ها به یک نقطه خیره می‌شوند و به دلیل سطح انرژی بالا و توهم شدید، در خلال این مدت رفتارهای بی‌پروایانه و خطرناکی از خود نشان می‌دهند. آنان، پس از بین رفتن اثر مواد روان‌گردان آنچنان احساس خستگی و بی‌حالی می‌کنند که ممکن است حدود ۴۸ ساعت به‌طور پیوسته به خواب بروند و پس از بیداری نیز به شدت احساس بی‌قراری و سردرد دارند (نظارات، ۱۳۹۸: ۴؛ وطن‌خواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

یکی دیگر از عوارض مصرف مواد روان‌گردان که در مصرف‌کنندگان مواد مخدر و مسکرات به‌ندرت دیده می‌شود، این است که مصرف‌کنندگان مواد روان‌گردان مانند شیشه، پس از گذشت مدتی از مصرف، دچار افکار پارانوئیدی (سوء ظن و بدگمانی) شده و در همه حال نسبت به دیگران سوء ظن دارند، به شدت به اطرافیان خود بدبین می‌شوند و همه را دشمن خود می‌دانند؛ به‌ویژه در شرایط تأهل، همسر خود را خیانت‌کار تلقی کرده و فرزندان مشترک را از خود نفی

می‌کنند و آنچه‌ان خود را در جایگاه حق می‌بینند که هرگز حاضر نیستند توصیه‌های دیگران را بپذیرند (نظارات، ۱۳۹۸: ۵؛ کیانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

سرانجام، یکی از تفاوت‌های اساسی مواد روان‌گردان با مخدرات و مسکرات در چگونگی اثر آنها بر مغز انسان است. بسیاری از مواد مخدر مثل حشیش، تریاک و هروئین، به دلیل شباهت ساختمان شیمیایی آنها با نوروترانسمیترهای طبیعی، می‌توانند سلول‌های عصبی را فعال سازند. شباهت ساختاری آنها، برای مواد مخدر این امکان را فراهم می‌کند که گیرنده‌ها را فریب دهند و به سلول‌های عصبی متصل شوند و آنها را فعال کنند. این در حالی است که مواد روان‌گردان مثل آمفتامین (شیشه) می‌توانند نوروترانسمیترهای طبیعی را به مقدار بیش از اندازه آزاد کنند یا مانع بازیافت طبیعی مواد شیمیایی در مغز شوند. این اختلال سبب ایجاد یک پیام بسیار تشدیدشده می‌شود و در نهایت مسیرهای ارتباطی را دچار اشکال می‌کند. تفاوت این اختلال مانند اختلاف بین زمزمه کردن در گوش با فریاد زدن در میکروفون است (قازاریان و محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴؛ هادی‌زاده عصار و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳).

با توجه به تفاوت‌های متعدد و چشمگیر در شاخص‌های ناظر بر ماهیت مواد مذکور مانند فرمول عناصر تشکیل‌دهنده هر ماده، ماده مؤثر هریک از مواد یادشده و طبیعی یا صناعی بودن مواد، و نیز با توجه به کیفیت اثر و شدت آثار و عوارض مواد بر اجزای بدن و روان مصرف‌کننده و همچنین، چگونگی تأثیر مواد بر جسم یا روان مصرف‌کننده، قیاس مسکرات با مواد روان‌گردان و تعمیم احکام یکی بر دیگری از نظر فقهی و حقوقی، توجیه‌پذیر نیست.

شایان ذکر است که مشابهت مسکرات با مواد روان‌گردان از حیث تأثیر آن دو بر زوال اراده مرتکب، به‌تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده قیاس آنها باشد، زیرا در ادله شرعی، زوال اراده به‌عنوان اثر مسکرات، به‌صراحت به‌عنوان علت حکم مطرح نشده و در نتیجه یکی از ارکان قیاس منصوص مفقود است؛ به‌علاوه، زوال اراده ممکن است بر اثر استعمال برخی داروهای خواب‌آور و مانند آن نیز حاصل شود، درحالی‌که هیچ‌یک از فقها حتی استعمال آنها را حرام نمی‌دانند، چه رسد که آن را مستوجب حد تلقی کنند. همچنین، با توجه به تفاوت فاحش مواد روان‌گردان و مسکرات در شدت آثار و کیفیت تأثیر بر اراده مرتکب، به‌نظر نمی‌رسد بتوان به ملاک واحد و مناط یقینی دست یافت و براساس آن دامنه حکم کیفر حدی را به مواد روان‌گردان توسعه داد؛ به‌ویژه اینکه ثابت نبودن حد به معنای مباح بودن عمل نیست، حرمت عمل باقی است و بازدارندگی از آن به‌واسطه کیفرهای تعزیری دنبال می‌شود.

۵. اقتضای قاعده درء

در فقه جزایی اسلام، قاعده درء اهمیت بسزایی دارد، به خصوص در زمینه حدود جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده، این اهمیت و جایگاه ویژه در مجموعه قوانین و مقررات جزایی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس شده است؛ چنانکه ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی ذیل عنوان «اعمال قاعده درء» مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

فقیهان و پژوهشگران درباره مستندات و مدارک قاعده درء، قلمرو شمول قاعده، و ارتباط آن با دیگر قواعد و مباحث فقهی و قضایی بحث‌های ارزشمندی را مطرح کرده، کثرت طرق و وحدت مضمون مدارک منقول و هماهنگی مفاد با مقاصد شارع را سبب استقبال عامه فقها از چنین قاعده‌ای و استعمال آن در تفسیر و تطبیق نصوص جزایی دانسته‌اند (امیدی، ۱۳۸۲: ۴۱).

از نظر قلمرو شمول قاعده، دو دیدگاه میان صاحب‌نظران مطرح است؛ برخی قاعده درء را قاعده‌ای فراگیر تلقی کرده‌اند که تمامی واکنش‌های جزایی اعم از حدود، قصاص، دیات و تعزیرات را در برمی‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۸۱-۴۹)، درحالی‌که برخی عمومیت و اطلاق قاعده را به چالش کشیده، این نظریه را تقویت کرده‌اند که قاعده درء تنها شامل حدود به معنای خاص است و شامل سایر واکنش‌های جزایی نمی‌شود.^۱ به هر حال، با توجه به اینکه موضوع بحث حاضر حد مصرف مسکر است که یکی از کیفی‌های حدی به معنای خاص است، بررسی دو نظریه مذکور در اینجا ضرورتی ندارد، زیرا هر کدام از این دو نظریه پذیرفته شود، تفاوتی در بحث نخواهد داشت و براساس هر دو نظریه، قاعده درء شامل حد مصرف مسکر می‌شود.

براساس قاعده درء، مادام که حرمت عمل و شمول نصوص مفید حرمت و ممنوعیت بر آن یقینی نیست یا وقوع اصل عمل و انتساب آن به متهم یا علم او به حرمت عمل یا ماهیت موضوع یا اختیار او در ارتکاب عمل مورد تردید است، حکم به مجازات یا اجرای آن جایز نخواهد بود (امیدی، ۱۳۸۲: ۴۲). در بحث حاضر، آنچه مورد تردید است، مسکر بودن مواد روان‌گردان و قرص‌های توهم‌زاست. منشأ شبهه نیز از یک سو نوپدید بودن قرص‌های روان‌گردان و نبود نص بر ممنوعیت و حرمت استعمال آنها و شمول حد مصرف مسکر بر مصرف‌کننده آن مواد است و از سوی دیگر، مشابهت‌هایی است که میان آثار و عوارض مسکرات و مواد روان‌گردان وجود دارد. شباهت‌هایی مانند اینکه هر دو ماده سبب اعتیاد فرد و وابستگی وی به آنها می‌شوند و با تحت تأثیر قرار دادن سیستم اعصاب فرد، موجب فقدان شعور، قدرت تمیز و تشخیص فرد شده،

۱. ر.ک: ساداتی، ۱۳۹۵: ۱۴۶-۱۱۳؛ آقابابائی بنی، ۱۳۹۴: ۱۰۷.

زیان‌های روانی، جسمی و اجتماعی بسیاری دارند (فتحی بهنسی، ۱۴۱۲ق. ج ۲: ۳۹۸-۳۹۶). بنابراین، شبهه از سنخ شبهه موضوعی است که براساس اقوال همه طرفداران قاعده دره، بی‌تردید مشمول قاعده است و لذا اجزای این قیاس کامل است که در مسکر بودن مواد روان‌گردان شبهه وجود دارد، هر گاه در ماهیت موضوع امر حدی شبهه وجود داشته باشد، حکم به مجازات جایز نیست، بنابراین، کیفر حد مسکر شامل مصرف مواد روان‌گردان نمی‌شود و محکومیت مصرف‌کننده یا معتاد به مواد روان‌گردان به حد شرب خمر جایز نخواهد بود. البته این بحث از حیث شبهه مفهومی نیز قابل بررسی است، زیرا براساس آنچه در گفتار اخیر بیان شد، نفس مفهوم مسکر از حیث انطباق آن با مواد روان‌گردان نیز مفهوم کاملاً دقیق و روشنی نبوده و همین امر موجب شده است که برخی فقها مواد روان‌گردان را به مخدرات و برخی به مسکرات ملحق کنند و برخی عنوان مستقلی برای آن قائل شوند؛ بنابراین، با وجود تردید در مفهوم مسکر و شک در منطبق بودن یا منطبق نبودن آن بر مفهوم مواد روان‌گردان، به اقتضای قاعده دره، حد مسکر ثابت نمی‌شود.

نتیجه

برخلاف فقه اهل سنت که در آن دیدگاه تعمیم عنوان مسکر بر مخدرات و مواد روان‌گردان غلبه دارد (الطیار، ۱۳۹۴: ۸۹؛ عظیمی و اصغری، ۱۳۹۲: ۷۴)، در فقه امامیه این دیدگاه طرفداران زیادی ندارد. اگرچه بسیاری از فقهای امامیه نیز استعمال مواد مخدر را به‌طور مطلق یا با قید و شرط حرام دانسته‌اند، از اطلاق عنوان مسکر بر مخدرات و روان‌گردان‌ها احتراز کرده، و برای بیان احکام مربوط به آنها دلایل و مستندات مستقلی مطرح کرده‌اند.

در این میان، مواد روان‌گردان به نسبت مواد مخدر، به‌دلیل نوپدید بودن آن، کمتر موضوع بحث‌های فقهی بوده و سهم اندکی از ادبیات فقهی (اغلب در حد استفتائات) را به خود اختصاص داده است.

نوپدید بودن مواد روان‌گردان و شناخت ناکافی از این مواد افزون‌بر اجمال و ابهام در قوانین و مقررات مربوط از یک سو، و وجود مشابهت‌هایی در عوارض و آثار این مواد با مسکرات از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری آرا و نظرهای مختلفی درباره شمول یا عدم شمول حد مسکر بر مصرف‌کننده مواد روان‌گردان شده، به‌طور کلی صاحب‌نظران را به دو گروه موافقان تعمیم حد مسکر بر استعمال روان‌گردان‌ها و مخالفان آن تقسیم کرده است.

با عنایت به استدلال‌هایی که در این مقاله مطرح شد، نبود مبانی روایی صریح در خصوص مسئله، نبود فتاوی معتبر مبنی بر شمول عنوان مسکر بر مواد روان‌گردان، روی‌گردانی اکثریت فقها از توسعه مفهوم تناول بر تزریق و تدخین و رفتارهایی غیر از شرب و اکل، وجود تفاوت‌های

اساسی و متنوع میان مسکرات و روان‌گردان‌ها از ابعاد مختلف ماهیت و آثار و عوارض، و سرانجام، وجود قطعی شبهه در خصوص موضوع بحث و در نتیجه حاکمیت قاعده درء، همگی بر این امر دلالت دارد که از میان دو دیدگاه موافقان و مخالفان تعمیم حد مسکر بر استعمال روان‌گردان‌ها، دیدگاه مخالفان موجه‌تر و صحیح‌تر است.

بنابراین، به لحاظ سازگاری دیدگاه مخالفان تعمیم حد مسکر بر استعمال مواد روان‌گردان با مبانی فقهی، و با احتیاط در حدود و قواعد فقهی و سیاست کیفری شارع در خصوص حدود و نیز برخورداری آن از پشتوانه قول مشهور و قول اکثر فقهای امامیه، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار با وضع تبصره‌ای ذیل ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی، به عدم شمول آن بر مواد روان‌گردان و قرص‌های توهم‌زا نظیر مت‌آفتمین، آمفتامین، ال اس دی، اکستاسی و فلونیترازیپام تصریح کند. همچنین تا زمانی که تلاش مقنن برای اصلاح قانون به ثمر نرسیده، محاکم کیفری در خصوص ماده ۲۶۴ آن قانون دیدگاه مخالفان را اساس تفسیر قرار دهند و قلمرو موضوعی آن مقرر را به نحو مضیق تفسیر کنند.

منابع

الف) فارسی

۱. آقابائنی بنی، اسماعیل (۱۳۹۴). «کاربرد قاعده درء در جرائم غیر حدی»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، سال بیست و دوم، ش ۴، ص ۹۳-۱۱۱.
۲. اصغری، عبدالرضا؛ صالحی مقدم، مهدی (۱۳۹۸). «تحلیل فقهی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و سوم، ش ۱۰۵، ص ۳۹-۵۸.
۳. امامی، مسعود (۱۳۹۳). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب فقه اهل بیت (ع).
۴. امید، جلیل (۱۳۸۲). «قاعده درء و تفسیر نصوص جزایی»، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۳، ص ۴۱-۵۶.
۵. بغدادی، تقی؛ مرتضوی، سید جواد؛ پیراهنی، افشین (۱۳۸۶). «مقایسه اثر تزریق الكل با توکسین بوتولینوم در فلج مغزی»، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره ۶، ش ۲۱، ص ۱۹-۲۴.
۶. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ق). جامع المسائل، ج دوم، قم: دفتر آیت‌الله العظمی بهجت.
۷. حیدریان، محمدرضا (۱۳۹۲). «رویکرد قانون مجازات اسلامی به استفاده از مسکر»، ماهنامه دادرسی، ش ۱۰۲، ص ۴۳-۵۹.
۸. خدایی اردکانی، میثم (۱۳۹۳). بررسی حکم فقهی استعمال، حمل و خرید و فروش مواد مخدر و روان‌گردان از دیدگاه مذاهب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد.
۹. ساداتی، سید محمد مهدی (۱۳۹۵). «شرایط اعمال قاعده درء در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۸، ش ۱۴، ص ۱۱۳-۱۴۶.

۱۰. سلمانپور، محمدجواد (۱۳۸۲). «مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرائم مربوط به آن»، مجله فقه اهل بیت (ع)، ش ۳۵، ص ۳۱-۱۳.
۱۱. سیدمحمودی، سید جواد؛ اصغری، محمدجواد (۱۳۹۲). «بررسی اثرات مصرف مواد اعتیادآور بر کارکردهای عصب-روان‌شناختی معتادان شهر شیراز»، مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۰، ش ۳، ص ۳۰۴-۲۹۵.
۱۲. شاهسوار، فرهاد؛ جعفرزاده، مهرزاد؛ اسدی‌فر، بهنام؛ سابوته، توماج؛ درند، مینا (۱۳۹۲). «اثر اعتیاد به مواد مخدر بر روی عملکرد تیروئید»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دوره ۱۵، ش ۱، ص ۲۳۱۹-۱۹.
۱۳. عرب، اعظم (۱۳۹۰). «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مردان وابسته به مواد افیونی و مت‌افتمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی».
۱۴. عظیمی، حبیب‌الله؛ اصغری، مسعود (۱۳۹۲). «بررسی حکم شرعی استعمال مواد مسکر و روان‌گردان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال نهم، ش ۳۴، ص ۷۷-۶۲.
۱۵. فاضلی‌پور، سیمین؛ طوطیان، زهرا؛ داوودی، پریش (۱۳۸۵). «اثر هروئین بر ساختار بافت کبد در موش سوری نژاد»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۶، ش ۲، ص ۹۴-۹۱.
۱۶. قازاریان، ماریت؛ محمدی، هومن (۱۳۸۷). «مواد مخدر، مغز و رفتار، چ اول، تهران: مرکز مشاوره دانشگاه تهران».
۱۷. کاظمی، حمید؛ قربانی، مریم؛ بحرینی بروجنی، مجید؛ سپهری بروجنی، کبری (۱۳۹۳). «مقایسه ابعاد روان‌شناختی مشکلات جنسی در بیماران وابسته به مواد مخدر با گروه شاهد، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره ۱۶، ش ۱، ص ۱۰-۱».
۱۸. کیانی، بهزاد؛ شاملو، باقر؛ صادقی، علیرضا (۱۳۹۰). «پیشگیری از مصرف ماده روان‌گردان شیشه توسط نوجوانان»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۱۹، ص ۱۶۷-۱۲۷.
۱۹. کیوان‌آرا، مریم؛ منجمی، سید امیرحسین؛ عریضی، حمیدرضا (۱۳۹۵). «بررسی ارتباط بین پاسخ مغز انسان به مواد محرک و شخصیت فرد مصرف‌کننده»، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، سال هجدهم، ش ۱، ص ۱۳-۱».
۲۰. لویی منفرد، علیخ مامی، سجاد؛ سلاطی، امیرپرویز (۱۳۹۲). «اثرات اعتیاد به تریاک بر روی ساختار کبد و کلیه خرگوش»، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۱، ش ۳، ص ۴۵-۳۹.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱). قواعد فقه (بخش جزایی)، چ بیست‌وپنجم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی».
۲۲. وطن‌خواه، حمید؛ آقاخانی، جعفر؛ نظری منظم، مهدی (۱۳۹۵). «پلیس و مقابله با مواد روان‌گردان»، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ش ۱۲، ص ۱۸۲-۱۵۱».
۲۳. هادی‌زاده عصار، ساناز؛ حسینی شریف‌آباد، محمد؛ یادگاری، مریم (۱۳۹۷). «اثرات سمیت متامفتامین بر سیستم عصبی»، فصلنامه شفای خاتم، دوره ۶، ش ۳، ص ۹۹-۹۱».

ب) عربی

۲۴. ابن‌براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المذهب، قم: مؤسسه النشر الاسلامی».
۲۵. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مذهب الحکام فی بیان الحلال و الحرام، چ چهارم، قم: مؤسسه المنار».
۲۶. شهید اول، محمدبن مکی عاملی (بی‌تا). القواعد والفوائد، ج ۲، قم: کتابفروشی مفید».
۲۷. شهید ثانی، زین‌الدین ابن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی».
۲۸. ----- (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیه، قم: داوری».
۲۹. طباطبائی، علی ابن محمد (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع)».

۳۰. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق). *العروه الوثقی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. علامه حلی، حسن ابن یوسف (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۳۳. فاضل هندی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. فتحی بهنسی، احمد (۱۴۱۲ق). *الموسوعه الجنائیه فی الفقه الاسلامی*، بیروت: دار النهضه العربیه.
۳۵. فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، قم: هجرت.
۳۶. مفید، محمد ابن نعمان (۱۴۱۰ق). *المقنعه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۷. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *تکمله المنهاج*، چ بیست و هشتم، قم: مدینه العلم.
۳۸. موسوی گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۲ق). *الدر المنصود فی احکام الحدود*، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ج) تارنماها

۴۰. خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۲): www.isna.ir <دسترسی ۱۳۹۹/۵/۴>
۴۱. درس خارج فقه آیت الله سیدکاظم مصطفوی (۱۳۹۱): www.eshia.ir <دسترسی: ۱۳۹۹/۵/۲>
۴۲. نشست قضایی دادگستری شهرستان قروه (۱۳۹۴): <http://rule-training.ir/?p=327> <دسترسی: ۱۳۹۴/۳/۳>
۴۳. نظارات، ناصر، مواد خانمان سوز اعتیاد (۱۳۹۸): WWW.TAKBOOK.COM <دسترسی: ۱۳۹۹/۱/۲۶>